

انقلاب اکتوبر نود ساله شد

بتاریخ ۲۵ اکتوبر سال ۱۹۱۷ (۷ نوامبر به تقویم جدید) رویداد دارای اهمیت بزرگ تاریخی که به قول جان رید نویسنده مترقی امریکائی "دنیا را لرزاند"، جامعه روسیه را در مسیر تحولات بنیادی نوین سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به نفع کارگران، دهقانان و تمام اقشار زحمتکش جامعه سوق داد. درین روز شوراهاى کارگران و سربازان به رهبری حزب بلشویک حاکمیت استبدادی سرمایداران جابر را سرنگون و قدرت را بدست گرفتند. بدینترتیب انقلاب اکتوبر که اولین انقلاب اجتماعی سازمان یافته بوسیله نیروی سیاسی مدافع منافع طبقات زحمتکش و به اشتراک مستقیم طبقه کارگر در تاریخ بشر بود پیروزی خود را نوید داد. انقلاب اکتوبر نه تنها سیمای روسیه و مناسبات اجتماعی درونی آنرا دگرگون ساخت بلکه تکیه گاه نیرومندی برای جنبش های کارگری و مترقی جهانی بوجود آورد و باعث ایجاد فضای نوین در مناسبات بین المللی گردید.

اکنون که ۹۰ سال از آن حادثه تاریخی می گذرد تحلیل ها، نقد ها و تصورات گوناگونی در باره چگونه گی پیروزی انقلاب اکتوبر و پیامدهای آن بیان می گردند.

نظریه پردازانی که از پنجره خصومت به آن رویداد بویژه و سوسیالیزم در کل، نگاه می کنند انقلاب اکتوبر را مسبب از هم پاشی دولت نیرومند روسیه و مانع رفورم های دموکراتیک که از نظر آنها با سقوط رژیم تزاری در فبروری ۱۹۱۷ آغاز گردیدند، می دانند و برآنند که بلشویک ها صرفاً بر پایه اهداف قدرت طلبانه دست به اقدام مسلحانه زدند و حاکمیت سیاسی را اشغال نمودند. اما واقعیت های اجتماعی جامعه روسیه آنگونه که اسناد و شواهد تاریخی آن دوران حکایت می کنند تصویر دیگری از وضعیت در روسیه قبل از انقلاب ارائه می دارند.

در دسامبر سال ۱۹۱۶ نماینده گان فرکسیون های بلاک "ترقی خواهان" در دومای دولتی و نه بلشویک ها، به دربار تزار مراجعه نموده اظهار داشتند: اعلیحضرتا! کشور بسوی تباهی در حرکت است و ما در آستانه فاجعه قرار داریم، باید اصلاحاتی روی دست گرفت. تزار پذیرفت اما دو روز بعد فکر خود را تغیر داد.

در جنوری ۱۹۱۷ وضعیت چنان بود که حتی جراید وقوع حادثه ای را پیشگوئی نمی کردند تا اینکه ناگهان انفجاری رخ داد و تزار برکنار شد. در فبروری همان سال حکومت موقت تشکیل گردید که در حقیقت باید کشور را از آن حالت نجات می داد. بلشویک ها در ترکیب حکومت موقت حضور نداشتند. حکومت موقت که گوئی وارث ناتوانی و بی مسئولیتی تزار است کاری برای جلوگیری از تباهی اقتصادی کشور، برآورده ساختن خواست های مردم مبنی بر قطع جنگ و بهبود وضع اقتصادی - اجتماعی انجام نداد.

رهبر انقلاب اکتوبر ولادیمیر ایلیچ لنین در اپریل ۱۹۱۷ به کشوریکه در بحران عمیق فرو رفته بود برگشت و پیشنهاد سازنده ای به جامعه در حال فروپاشی روسیه ارائه نمود: قدرت به شوراها، کنترل کارگری بر تولید، حل مسئله زمین و قطع جنگ برادرکشی امپریالستی.

این برنامه رهبر انقلاب بود که در اکتوبر ۱۹۱۷ روسیه را از فرو رفتن در پرتگاه نابودی نجات داد. با استقرار حاکمیت شوراها روسیه از جنگ اول جهانی خارج شد و همزمان پلانگذاری و تحقق پروژه های اقتصادی آغاز گردید.

دولت نو بنیاد شوروی موفق گردید در سالهای آغازین انقلاب با تطبیق سیاست نوین اقتصادی "نپ" نظم اقتصادی را دوباره احیا و اداره دولتی باثبات را بوجود آورد.

گرچه دست آودرهای اقتصادی دولت شوروی در سالهای بعد، چه قبل از جنگ جهانی دوم و چه بعد از آن چشمگیر بود اما اهداف اساسی انقلاب اکتوبر برای اعمار جامعه سوسیالیستی بر بنیاد سیستم شورائی طبق برنامه آغاز شده که باید شرکت گسترده

اقتدار زحمتکش را با حفظ آزادی های فردی، سیاسی، فرهنگی و معنوی آنها در ادارهٔ سیاسی و تمام عرصه های زنده گی جامعه تامین می کرد عملی نگردیدند.

دیری نگذشت که انحراف از آرمان های اولیه، تمایل به کیش شخصیت و تحکیم قدرت فردی در رهبری حزب کمونست اتحاد شوروی شیوع یافت و حزب را به یک دستگاه بیروکراتیک تصمیم گیری و فرماندهی با به حاشیه راندن ارادهٔ اکثریت مردم مبدل ساخت. نقش مخرب ستالین درین کارزار اثرات نهایت منفی بر حیات حزب و جامعه گذاشت که عواقب ناگواری را در قبال داشت. بعد از مرگ ستالین تلاش های شکلی به عمل آمد تا جو مخوف سیاسی سالم تر گردد و فضای بازتر سیاسی به میان آید اما این کار به اصلاحات عمیق حزبی و سالم سازی مجموع سیستم سیاسی نه انجامید تا اینکه حزب و سیستم هر دو فرو پاشیدند.

انقلاب اکتوبر با وجود اتخاذ گامهای با ارزش آغازین نتوانست به پیروزی نهائی برسد اما آرمانهای انسانی آن برای همیشه زنده و ثبت تاریخ اند.

www.ayenda.org